

شهر درباره عدم پرداخت به‌موقع عوارض از سوی معادن و تأثیر آن بر روند اجرای برخی طرح‌های عمرانی واز سوی دیگر، برگزاری جشنواره خرمایهدف معرفی ظرفیت‌های این محصول وهزینه‌هایی که برای برگزاری آن صرف شده‌است. کنار هم قرار گرفتن این دو موضوع، فارغ از هر گونه قضاوت درباره درست یا نادرست بودن تصمیم‌ها، یک پرسش طبیعی وقابل طرح برای شهروندان ایجاد می‌کند: منابع محدود مدیریت شهری چگونه و بر اساس چه اولویت‌هایی تخصیص پیدایمی‌کنند؟

وقتی از کمبود منابع سخن گفته می‌شود

در نیمه مردامه‌اد و در آیین ضیافت تجلیل از خبرنگاران که در محل رستوران تازه‌تأسیس شهرداری در مجموعه بوستان آشپز برگزار شد، برخی اعضای شورای اسلامی شهر بافق درباره وضعیت درآمدی شهرداری و آثار ناشی از عدم پرداخت به‌موقع عوارض معادن سخن گفتند. بر اساس اظهارات مطرح‌شده در آن نشست، بخشی از طرح‌های عمرانی با کندی مواجه شده و عملیات مربوط به مرمت، بهسازی معابر و برخی امور عمرانی نیز تحت تأثیر محدودیت منابع مالی قرار گرفته‌است.

طبیعی است که تحقق درآمدهای قانونی شهرداری و پرداخت به‌موقع عوارض، در اجرای برنامه‌های مصوب و ارائه خدمات شهری مؤثر باشد. بااین حال، آنچه برای افکار عمومی اهمیت دارد، صرفاً بیان مشکل نیست؛ بلکه اطلاع از راهکار، میزان منابع، نحوه هزینه‌کرد و اولویت‌های تعیین شده‌است.

جشنواره خرمای: فرصت یا هنر؟

از سوی دیگر، برگزاری جشنواره خرمای نامی توان صرفاً ر منظر هزینه مورد ارزیابی قرار داد. معرفی ظرفیت‌های کشاورزی، اقتصادی و گردشگری بافق، حمایت از تولیدکنندگان و ایجاد زمینه برای شناساندن محصولات بومی، می‌تواند در صورت طراحی و اجرای مناسب، آثار مثبتی برای شهر داشته باشد. اما سؤال اصلی همچنان پابرجاست: هزینه‌اتجام‌شده برای این رویداد چه میزان بوده و این هزینه در مقایسه با سایر نیازهای ضروری شهر، بر چه مبنایی در اولویت قرار گرفته‌است؟ پاسخ به این سؤال، الزاماً به معنای زیر سؤال بردن اصل جشنواره نیست؛ بلکه بخشی از مطالبه طبیعی شهروندان درباره شفافیت مالی و نحوه تصمیم‌گیری مدیریت شهری است.

حق مردم بر ای دانستن

مدیریت شهری با منابع عمومی سرو کار دارد و هر تصمیم مالی آن، خواه در حوزه عمرانی باشد و خواه فرهنگی، اجتماعی یا تبلیغاتی، می‌تواند برای شهروندان موضوع پرسش باشد. از این منظر، شفاف‌سازی درباره میزان هزینه جشنواره، منابع تأمین اعتبار آن، اهداف تعیین شده، دستور دهای مورد انتظار و همچنین وضعیت پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام، نه تنها امر نامطلوبی نیست، بلکه می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی کمک کند.

مسئولین میزان مطالبات و طرح‌های شهری اطلاعات ر وشن ار انه کنند

همچنین اگر درآمدهای ناشی از عوارض معادن مطابق زمان‌بندی مورد انتظار وصول نشده‌است، شایسته است مسئولان مربوط، درباره میزان مطالبات، وضعیت وصول و تأثیر آن بر بودجه و پروژه‌های شهری نیز اطلاعات روشن و مستندی ارائه کنند.

«چراغی که به مسجد رواست...» یا ضرورت اولویت‌بندی؟ در فرهنگ عمومی، ضرب‌المثل «چراغی که به مسجد رواست، به خانه حرام است» ناظر بر یک اصل ساده‌است: در شرایط محدودیت منابع، نیازهای ضروری باید در اولویت قرار گیرند

بااین حال، قضاوت درباره اینکه یک هزینه شهری ضروری، مؤثر یا قابل تأخیر بوده است، نیازمند دسترسی به اطلاعات دقیق و اسناد مالی است؛ نه صرفاً شنیده‌ها و برداشت‌های عمومی.

از همین رو، شاید به جای آنکه موضوع به تقابل میان «جشنواره» و «عمران شهری» تبدیل شود، بهتر باشد مسئله اصلی را شفافیت در اولویت‌بندی و پاسخ‌گویی درباره نحوه هزینه‌کرد منابع عمومی بدانیم.

مردم، داور نهایی عملکردها

شهروندان با باقیی بیش از هر چیز انتظار دارند، در میان سخنان مسئولان و عملکرد دستگاه‌های شهری، هماهنگی وجود داشته باشد. اگر کمبود منابع مالی وجود دارد، مردم باید بدانند چرا و در چه بخش‌هایی هزینه‌ها انجام می‌شود؛ و اگر منابع کافی وجود دارد، باید مشخص شود چرا برخی طرح‌ها همچنان در انتظار اعتبار هستند.

بی‌تردید هیچ کس مخالف توسعه فرهنگی، معرفی ظرفیت‌های بومی یا برگزاری رویدادهای شهری نیست. سخن بر سر تقدم و تأخر، ضرورت، اثربخشی و شفافیت است. اکنون شاید بهترین زمان باشد که شهرداری و شورای اسلامی شهر با ارائه اطلاعات روشن و مستند، به پرسش‌های موجود پاسخ دهند؛ چرا که شفافیت، نه تهدید مدیریت شهری، بلکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای افزایش اعتماد عمومی است.

واقعیت‌ها همان گونه که هست برای آنان بیان شود.

در نهایت، مردم انتظار دارند واقعیت‌ها همان گونه که هست برای آنان بیان شود؛ تا ماین آنچه گفته می‌شود و آنچه در عمل مشاهده می‌کنند، فاصله‌ای ایجاد نشود.

مسئله، برگزاری یک جشنواره یا اجرای یک طرح نیست؛ مسئله این است که شهر بداند منابع شهر چگونه، چرا و بر اساس کدام اولویت‌ها هزینه می‌شود.

تاکید مدیر عامل شرکت سنگ آهن مر کزی ایران در جلسه شورای معاونین:

آرامش نیروی انسانی و خانواده‌های آنان اولویت است

مدیر عامل شرکت سنگ آهن مر کزی

ایران در جلسه شورای معاونین:

آرامش نیروی انسانی و خانواده‌های آنان اولویت نخست شرکت است/ تأمین مالی ۸۰ میلیون یورویی طرح آهن اسفنجی در دستور کار است/ بهبود عملکرد شرکت نسبت به سال گذشته مدیر عامل شرکت سنگ آهن مر کزی ایران با اشاره به بهبود عملکرد شرکت نسبت به سال گذشته، بر تداوم تلاش‌ها برای تحقق اهداف و بودجه پیش‌بینی شده تأکید کرد.

به گزارش پایگاه خبری افق بافق به نقل از روابط عمومی شرکت سنگ آهن مر کزی ایران، محمدجواد عسکری، در جلسه شورای معاونین که در دفتر یزد برگزار شد با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای بهبود شرایط شرکت اظهار کرد: با تلاش‌های صورت گرفته، شرایط شرکت نسبت به گذشته بهتر شده‌است و امیدواریم با تداوم این روند و افزایش تلاش‌ها، بتوانیم وضعیت شرکت را بیش از پیش بهبود بخشیم.

عسکری نیروی انسانی را یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های شرکت دانست و تصریح کرد: نیروی انسانی جزو سرمایه‌های اصلی ما است و اعتقاد داریم باید برای حفظ آرامش کارکنان و خانواده‌های آنان اقدامات لازم انجام شود؛ آرامش نیروی کار و خانواده‌های آنها اولویت اول ما است.

مدیر عامل شرکت سنگ آهن مر کزی ایران ادامه داد: برنامه‌ریزی‌های لازم برای پرداخت حقوق، مطالبات و برخی هزینه‌های ضروری کارکنان در حال انجام است و تلاش می‌کنیم در حوزه درمان نیز مدیریت مناسبی داشته باشیم تا کارکنان با خللی در خدمات درمانی مواجه نشوند.

وی ابراز امیدواری کرد در صورت عدم بروز اتفاقات خاص خارج از اختیار شرکت، برنامه های سال جاری با شرایط مطلوب و به‌موقع به انجام برسد.

عسکری در ادامه با اشاره به مشکلات موجود که در این حوزه داشتیم، تلاش کردیم بخشی از نیازهای خود را تأمین کنیم. همچنین با سرمایه‌گذاری و خریدهای انجام‌شده توانستیم حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد از فعالیت‌های معدنی خود را احیا کنیم.

وی افزود: این اقدامات موجب شد با وجود چالش‌های تأمین مواد اولیه، کاهش محسوسی در تولید نداشته باشیم و حتی در برخی بخش‌ها شاهد افزایش تولید باشیم. همچنین تلاش کردیم میزان فروش شرکت را افزایش دهیم تا بتوانیم به اهداف درآمدی و هزینه‌ای

پیش‌بینی شده دست پیدا کنیم. مدیر عامل شرکت سنگ آهن مر کزی ایران

با تأکید بر اینکه مسائل و مشکلات موجود در حال مدیریت است، گفت: تلاش ما این است که مشکلات را در داخل شرکت حل کنیم و اجازه

ندیم این مسائل به دغدغه‌ای برای کارگران و مردم تبدیل شود. عسکری در بخش دیگری از سخنان خود به طرح آهن اسفنجی اشاره کرد و گفت: این طرح در مجموعه گوهران در حال پیگیری است و تلاش می‌کنیم حدود ۸۰ میلیون یورو از محل تسهیلات مورد نیاز، تأمین مالی آن را انجام دهیم.

وی ادامه داد: هم‌زمان اقدامات مربوط به پذیرش مجموعه گوهران نیز در حال انجام است و امیدواریم با جذب سرمایه‌گذاری مناسب، زمینه تکمیل و تجهیز این طرح را فراهم کنیم. مدیر عامل شرکت سنگ آهن مر کزی ایران همچنین درباره روند اجرای کارخانه کنسانتره گفت: این طرح با سرعت خوبی در حال پیشرفت

است، زمین تحویل سرمایه‌گذار شده و عملیات حفاری نیز در حال انجام است.

انر گذاری مستقیم ناتر از ای انرژی بر میزان تولید

در این جلسه سید علیرضا میر طاهری، معاون تولید شرکت سنگ آهن مر کزی ایران نیز با ارائه عملکرد واحد متبوعه گفت: ناترازی انرژی،



به‌ویژه محدودیت‌های برق، در شش ماهه نخست سال بیش از ۱۹۰ هزار تن کسری تولید در بخش کنسانتره این شرکت ایجاد کرده‌است. وی با اشاره به وضعیت تولید شرکت در شش ماهه نخست سال اظهار کرد: ناترازی

انرژی و به‌خصوص محدودیت‌های برق، تأثیر مستقیمی بر میزان تولید کنسانتره داشته‌است و در مجموع بیش از ۱۹۰ هزار تن کسری تولید برای شرکت به همراه داشته‌است.

میر طاهری مجموع تولید گندله و کنسانتره را بیش از ۵ میلیون تن اعلام کرد و گفت: از این

میزان تولید حدود ۲ میلیون و ۸۲۳ هزار تن ارسال داشته‌ایم.

وی افزود: اگر محدودیت‌های ناشی از ناترازی برق وجود نداشت، بر اساس برنامه تولید سالانه، در شرایط فعلی می‌توانستیم حدود چهار تا

تاکید مدیر عامل شرکت سنگ آهن مر کزی ایران در جلسه شورای معاونین:

آرامش نیروی انسانی و خانواده‌های آنان اولویت است

پنج هزار تن از برنامه پیش‌بینی شده نیز جلوتر باشیم؛ اما محدودیت‌های برق مانع از دستیابی به میزان تولید هدف گذاری شده‌است. معاون تولید شرکت سنگ آهن مر کزی ایران با اشاره به احتمال تشدید محدودیت‌های انرژی در نیمه دوم سال و مطرح شدن محدودیت گاز، گفت: قطعاً تأمین گاز نیز بر روند تولید تأثیر گذار خواهد بود و لازم است برای مدیریت این شرایط

برنامه‌ریزی دقیقی انجام شود. میر طاهری ادامه داد: بخشی از آثار این محدودیت‌ها را می‌توان از طریق تأمین سرمایه، انجام تعمیرات و برنامه‌ریزی‌های فنی جبران کرد، اما با توجه به شرایط موجود در کشور، با چالش تأمین انرژی، به‌ویژه گاز، مواجه خواهیم بود.

وی با بیان اینکه مدیریت این شرایط نیازمند همکاری و هماهنگی میان بخش‌های مختلف است، تصریح کرد: جلسات متعددی با حوزه انرژی، همکاران بخش فنی و سازمان‌های بیرونی باید برگزار شود تا بتوانیم زمان محدودیت‌ها را به حداقل برسانیم.

معاون تولید شرکت سنگ آهن مر کزی

محمدجوادرنجبر، معاون برنامه‌ریزی، راهبردی و توسعه شرکت سنگ آهن مر کزی ایران نیز در این جلسه با اشاره به آمار فروش شرکت گفت: آمارهای فروش نشان می‌دهد که عملکرد شرکت از لحاظ عملیاتی خوب بوده است و نسبت به سال‌های پیش بهتر عمل کرده و

توانسته محصولات خود را به فروش برساند. وی به عملکرد خوب بخش نوآوری شرکت اشاره‌ای کرد و افزود: طرح‌های خوبی از سوی نیروهای شرکت در واحدهای مختلف ارائه شده و معاونت‌ها همکاری خوبی با ما داشته‌اند.

تلاش برای شیرین شدن کلام کارگران

طاهر ابراهیم زاده، معاون مالی شرکت نیز در این جلسه به موضوع برگزاری مجمع اشاره‌ای کرد و گفت: خوشبختانه شفاف‌ترین و باکیفیت‌ترین گزارش حسابرسان اخذ کردیم. در کل این جلسه، جلسه‌ای سخت اما شیرین بود. وی با بیان اینکه توان ترازنامه ما افزایش پیدا کرده است افزود: امروز کل هزینه‌های مالی ما که منتسب به دارایی است یک هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان است که این کاهش هزینه به دلیل نوع رفتارهای مدیریتی است.

ابراهیم زاده با بیان اینکه در این مدت از ثروت زدایی شرکت جلوگیری شد و ثروت افزایی در ترازنامه کاملاً مشهود است اظهار کرد: هم‌اکنون ما ۱۷ همت مطالبات داریم که برنامه‌ای برای وصول آن در دستور کار است.

وی تصریح کرد: اگرچه با تلافی که در صورت های مالی و تنش‌های نقدینگی در کشور داشتیم نتوانستیم مطالبات کارگری را به خوبی پرداخت کنیم اما به‌زودی اقدامات اساسی انجام خواهد شد تا کام کارگران عزیز شیرین شود.

آخرین ترمز و چند ثانیه تا مرگ

روایتی واقعی از یک پرونده وکالتی

واژگونی، برای پرونده شاید مجموعه‌ای از واقعیت‌های فنی باشند؛ اما برای خانواده‌های داغدار، اینها دیگر واژه نیستند. آنها بخشی از آخرین فصل زندگی عزیزانشان هستند. شاید این حادثه برای همه ما یک هشدار ساده اما عمیق داشته باشد:

زندگی تا آخرین ثانیه ادامه دارد، اما هیچ‌کس نمی‌داند آخرین ثانیه چه زمانی از راه می‌رسد. پس شاید باید آرام‌تر رفت، بیشتر احتیاط کرد و قدر لحظه‌هایی را دانست که هنوز در اختیار ما هستند.

چون گاهی انسان فکر می‌کند هنوز فرصت زیادی باقی مانده است؛ اما مرگ ممکن است فقط چند ثانیه با فاصله داشته باشد.

چند ثانیه...

شاید تلخ‌ترین قسمت ماجرا همین باشد: مرگ همیشه با صدای بلند از راه نمی‌رسد؛ گاهی در سکوت، در چند ثانیه، در فاصله کوتاه میان یک تصمیم و یک حادثه، وارد زندگی انسان می‌شود.

و بعد، دیگر هیچ ترمزی نمی‌تواند زمان را به عقب برگرداند.

این حادثه برای من فقط یک پرونده با شماره و پایگانی نیست. پشت این شماره‌ها، دو انسان بودند: دو خانواده، دو زندگی و دنیایی از خاطرات که ناگهان با چند ثانیه تغییر کرد. و شاید تلخ‌ترین جمله درباره زندگی همین باشد: گاهی پایان یک عمر، فقط چند ثانیه طول می‌کشد

«تدکس بافق» در جست‌وجوی

شکوفایی نخبگان

ادامه از صفحه ۴

ظرفیت شرکت‌کنندگان را به ۱۲۰ نفر محدود کرده‌ایم. تا از افت کیفیت خدمات جلوگیری شود.»

طبق برنامه اعلام شده، فروش بلیط‌ها از طریق سایت «تداکس بافق» در همین هفته آغاز خواهد شد. محل برگزاری این رویداد نیز سالن همایش‌های آهنشهر اعلام شده‌است.

رنجبر با معرفی برخی از سخنرانان، از حضور چهره‌های موفق همچون دکتر حامد فخاری زاده، دکتر حمید اکبری باجگانی و سناژ امین‌پور خبر داد و افزود: «تجربیات این عزیزان می‌تواند محرک و انگیزه بزرگی برای جوانان بافقی باشد.»

فرهنگ شغلی: از کارگری معدن تا مهندسی در دل کویر

رنجبر با نگاهی به چالش‌های ساختاری شهر، به موضوع فرهنگ شغلی اشاره کرد. او با بیان اینکه معادن برای بافق هم نعمت هستند هم چالش، گفت: «ما هنوز نتوانسته‌ایم فرهنگ درستی در این زمینه بسازیم. معادن علاوه بر نیاز به نیروی کارگر، به شدت به مهندس و متخصص نیاز دارند. اما متأسفانه با یک الگوی ذهنی غلط مواجه هستیم؛ بسیاری از پسران بافقی پس از سپری کردن دوران تحصیل و سربازی، تنها به دنبال کارگری در معادن هستند. ای کاش آن‌ها با ادامه تحصیل و تخصص، به عنوان مهندس در این معادن مشغول به کار شوند...»

رنجبر با نارتاحتی ادامه داد: ما با بافقی‌ها بیشتر به این سمت رفته‌ایم که پسرها پس از سپری کردن دوره تحصیل و سربازی، به کارگری در معادن روی آورند. ای کاش با ادامه تحصیل، آن‌ها در جایگاه‌های تخصصی و مهندسی در معادن مشغول به کار شوند تا

شهر از پتانسیل واقعی خود بهره‌مند شود.

او در ادامه با طرح یک پرسش چالش‌برانگیز، به ضرورت تغییر الگوی اجتماعی اشاره کرد: «اگر ما پزشک، دندان‌پزشک، معمار، هنرمند یا ورزشکار نتوانمند نداشته باشیم، چگونه می‌توانیم یک شهر مدرن بسازیم؟ بله، کارگر معدن برای چرخه اقتصادی ما بسیار ارزشمند است، اما شهر بافق علاوه بر آن، به متخصصان حوزه‌های مختلف نیز نیاز مبرم دارد. این استعدادها در میان جوانان بافقی وجود دارد؛ تنها کافی است خانواده‌ها و فرزندانمان این باور را درونی کنند که با ادامه تحصیل، می‌توانند به جایگاه‌های والا و درخشان برسند.» رنجبر با تأکید بر این موضوع، از تلاش خود و تیمش برای شکستن این چرخه فکری و قدیمی سخن گفت.

تیمی از نخبگان، دغدغه‌مندی فراتر از منابع مادی

رنجبر در بخش دیگری از گفتگو، به معرفی ساختار اجرایی این رویداد پرداخت و گفت: «تیم» «تدکس بافق» متشکل از ۳۵ جوان نخبه و دغدغه‌مند بافقی و ۶ نفر از نخبگان استان اصفهان است. نکته حائز اهمیت این است که این تیم کاملاً به‌صورت داوطلبانه فعالیت می‌کند و هیچ عایدی مادی از این کار نمی‌برد؛ چرا که هدف اصلی ما تنها دغدغه‌ی پیشرفت بافق است. ما آرزو داریم که بتوانیم سهمی کوچک اما ماندگار در شکوفایی شهرمان داشته باشیم.»

وی همچنین از حضور احتمالی مقامات کلیدی خبر داد و افزود: «ما از فرماندار، شهردار، مدیریت مجموعه سنگ‌ان، امام جمعه محترم شهر، شورای شهر و حتی برخی از مسئولین استان دعوت به عمل آورده‌ایم تا در این مسیر همراه ما باشند.»

«شهری در مسیر مآشند است»

فرخ‌انزلی بر ای آتصاد بدون مرز زندگی

رنجبر با تبیین شعار اصلی رویداد، به مفهوم عمیق آن پرداخت: «شعار ما «شهری در مسیر مآشند است»؛ به این معنا که ما هیچ خط کشی میان مردم، مسئولین و تجار قائل نیستیم. وقتی از «شهر» سخن می‌گوییم، منظورمان تمام شهروندان است و وقتی می‌گوییم «ما»، منظورمان اتحاد تمام «من‌ها» این شهر است. تیم تدکس بافق پذیرای تمامی نقدهاست و از همه شهروندان می‌خواهد که فارغ از هر گونه جناح‌بندی یا ریزبندی، در این رویداد مشارکت کنند.»

او، راه‌های حمایت از این حرکت اجتماعی را چنین برشمرد: «هر کس می‌تواند به نوبه خود در این مسیر با ما همراه شود؛ مردم می‌توانند با خرید بلیط در حمایت از این جریان باشند و مسئولین نیز با تسهیل در صدور مجوزها، نقش خود را در این تغییر ایفا کنند. ما می‌خواهیم همه در این مآشند «سهمی باشند.»

رنجبر در پایان سخنان خود، از حمایت خانواده‌ها به عنوان رمز اصلی موفقیت یاد کرد و با تأکید بر ضرورت کنار گذاشتن منیت‌ها و تعصبات، گفت: «شهر بافق پتانسیل‌های بسیار بیشتری دارد؛ اگر منیت‌ها را کنار بگذاریم و با هم هر حرکت کنیم، با باقی‌هایی خواهیم داشت که در تمام چرخه‌ها جهان‌گدز و سر بلند باشند.»

باقی در مسیر «ما شدن» از هر مدیریت نسل جدید تا شکستن

چرخه سستی کارگری

نخبگان جوان بافقی با اجرای رویداد «تدکس» به دنبال جانشین‌پروری، مدیریت تخصص محور و تغییر فرهنگ اقتصادی شهر هستند

در حالی که بافق به عنوان شاهراه ریلی ایران شناخته می‌شود، گروهی از جوانان نخبه با هدف پیوند دادن این توانمندی جغرافیایی با توانمندی‌های علمی، در پی ایجاد یک جریان نوآورانه هستند. «تیم تدکس بافق» با تمرکز بر «جوان‌گرایی» و «مدیریت‌پروری» قصد دارد با برگزاری رویدادهای بین‌المللی، از انتقال تجربه نسل‌های گذشته به نسل جدید و ایجاد زیرساختی برای متخصصان بومی اطمینان حاصل کند.

تمرکز بر نسل جدید و مدیریت‌پروری

امیرعباس نارگانی، مدیر روابط عمومی شرکت تدکس و کارشناس علوم سیاسی، که از استعدادهای درخشان دانشگاه یزد است، بر این باور است که شکاف اصلی در بافق، نبود «جانشین‌پروری» و

«مدیریت‌پروری» است. وی می‌گوید: «همانگین سنی تیم ما ۲۴ تا ۳۵ سال است. ما نشان داده‌ایم که جوانان متخصص، حتی بدون تجربه طولانی، می‌توانند تغییر ایجاد کنند. هدف ما این است که از میان این ۳۵ نفر، مدیران آینده را تربیت کنیم تا با گذشت زمان، جایگزینی تخصص و بومی‌سازی نسل‌های پیشین فراهم شود.» نارگانی با اشاره به نگاه کوتاه مدت در شهر، افزود: «بسیاری از فعالیت‌ها در بافق تنها به دنبال نتایج سریع هستند، اما دید تیم ما به پهنای ریلی بافق گسترده شده است. می‌خواهیم همانند شاهراه ریلی، پیوند میان جوانان بافق و سایر نقاط ایران را برقرار کنیم تا رشد و پیشرفت شهر در این مسیر امتداد یابد.»

در بررسی موانع پیش‌روی جوانان، نارگانی به تأثیر فشار اقتصادی بر دغدغه‌های علمی اشاره کرد: «اقتصاد

ادامه از صفحه ۳

یادداشت

تلاقی طعم‌های کویر و دریا در نخلستان بافق؛

وقتی «هنر بومی» به موتور محرک اشتغال بدل می شود

ادامه از صفحه ۴

با محصولات ساخته‌شده از برگ خرما جلوه‌ای خاص به فضا بخشیده‌است. بادبزَن، کلاه، زیرانداز، سبد و انواع ظروف تزئینی، حاصل دستان توانمند هنرمندان بافقی است که با نگاهی نو و سلیقه‌ای امروزی، هنری را که از مادران آموخته‌اند، بازآفرینی کرده‌اند. تجربه زیستی این هنرمندان، سندی است براینکه نخلستان‌های بافق تنها محل تولید خرمانیسند بلکه بستری برای اشتغال پایدار، کشاورزی و گردشگری محسوب می‌شوند.

در غرفه‌ای دیگر، فاطمه مرشدزاده، مربی صنایع دستی مدارس، با همراهی دختر و نوه‌اش، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان دور ریختنی‌های کشاورزی را به ثروت تبدیل کرد. او با هنرمندی، برگ‌های نخل را به دسته کلید، جای جواهر، ست کیف و کلاه ذخیره تبدیل کرده‌است. به گفته مرشدزاده، اگر دستی باشد که برگ را دور نریزد، هنر از دل نخلستان می‌رود، جمله‌ای که عمیق‌ترین نیاز امروز بازار کار بافق را روایت می‌کند: استفاده بهینه از منابع موجود است.

پیوند کویر و دریا: از «نان تموشی» تا خرمای بافق (تأمیل فرهنگ بین اقلیم‌های مختلف)

در بخشی از این رویداد، شاهد یک تعامل فرهنگی فرامنطقه‌ای هستیم؛ خرغ‌های از جزیره قشم که با عرضه صنایع دستی و غذای محلی، حال‌وهوای جنوب ایران را به دل کویر آورده است. طغر «نان تموشی» که در فضای نخلستان می‌پيچد، در تضادی دلپذیر با شیرینی خرمای کویر، پیوند میان دو اقلیم را ملموس‌تر کرده است. این تعاملات فرهنگی نشان می‌دهد بافقی می‌تواند با ایجاد کردبوره‌های گردشگری و تجاری، از ظرفیت‌های فرامنطقه‌ای نیز برای معرفی تولیدات خود بهره ببرد.

محمد شاکری از بازدیدکنندگان این جشنواره می‌گوید: «جشنواره‌ها زمانی می‌توانند اثرگذاری بیشتری داشته باشند که از برگزاری برنامه‌های فرهنگی و هنری فراتر رفته و به بستری برای حضور تولیدکنندگان، هنرمندان، فعالان گردشگری و صاحبان کسب‌وکارهای استانی و کشوری تبدیل شوند؛ موضوعی که در بسیاری از رویدادهای استان با برپایی بازار چها و غرفه‌های عرضه محصولات دنبال می‌شود این جشنواره هم جای کار زیاد دارد

مریم بدانی می‌گوید: حضور مهمانان داخلی و خارجی در چنین رویدادهایی این فرصت را ایجاد می‌کند که یک محصول بومی، تنها به‌عنوان یک کالای مصرفی دیده نشود، بلکه بهانه‌ای برای معرفی هویت، فرهنگ، تاریخ، جاذبه‌های گردشگری و سبک زندگی مردم یک شهر باشد.

شهر بافق، هم‌هدف از برگزاری این جشنواره را تغییر نگاه به ظرفیت‌ها و معرفی پتانسیل‌های شهرستان است. به گفته سید علی نوروز زاده برگزاری جشنواره خرما در حاشیه جشنواره تابستانی و برپایی غرفه‌های صنایع دستی، سوغات و غذاهای محلی می‌توانند زمینه‌عرضه مستقیم تولیدات بومی و کمک به اقتصاد محلی و معرفی ظرفیت‌های بومی و استفاده هدفمند از توانمندی‌های منطقه را افزایش دهد

نخلستان. ویتروینی از ارزش‌زوده و خلاقیت

جشنواره نخلستان بافق، ویتروینی از توانمندی‌های محلی است که اگر با حمایت‌های هدفمند در حوزه بازاریابی و بسترسازی همراه شود، می‌تواند پایدار بماند. دیدن بانوانی که با تکیه بر دانش بومی، چرخ‌های اقتصاد خانوار را می‌چرخانند، یادآوری می‌کند که توسعه بافق در گرو دیدن و حمایت از همین کسب‌وکارهای خرداست.

گفتگو

«تدکس بافق» در جست‌وجوی شکوفایی نخبگان

در صفحه ۴ بخوانید

تحت الشعاع دغدغه‌های معیشتی قرار گرفته، اما ریشه‌ی حل این مشکل در فرهنگ‌سازی از درون خانواده‌ها نهفته‌است. «او تأکید کرد که حمایت خانواده‌ها، حتی در شرایط ایهام و ناپایداری آینده، حیاتی است: «خانواده‌ها باید از کشف استعدادهای فرزندان‌شان حمایت کنند. بافق نه تنها به کارگر معدن، بلکه به پزشک، وکیل، معمار و سیاست‌مدار متخصص نیاز دارد. ما باید برای روزی که شاید منابع معدنی تغییر کنند، از امروز زیرساخت‌های علمی و مهارتی خود را بسازیم.»

پیشگامی در استان و فراخوان برای مشارکت
نارگانی با اشاره به پیشگامی بافق در برگزاری این رویداد در استان یزد، خاطر نشان کرد: «باقی اولین شهریه‌ی است که این رویداد جهانی را میزبانی می‌کند و این نشان‌دهنده ظرفیت بالای این شهرستان است. این نمایشگاه هیچ محدودیتی سنی ندارد و هر کسی که دغدغه‌ی «ما شدن» بافق را دارد، می‌تواند در جمع ما باشد.»

خانه جوان و رسیدگی به مشکلات نسل جوان
در پایان، مدیر روابط عمومی تدکس به ضرورت ایجاد بستری برای شنیدن صدای جوانان اشاره کرد و از مفهوم «خانه جوان» گفت: «خانه جوان باید خانه دوم جوانان باشد؛ جایی که فراتر از هر مسئله‌ای، حرف‌شان شنیده شود. ما معتقدیم با تشکیل چنین سازوکاری، می‌توانیم با مشکلات جامعه و مشکلات خود جوانان روبرو شویم و به دنبال راه حل‌های واقعی باشیم.»

با وجود سختی‌ها همچنان تلاش می‌کنیم

وی با اشاره به دشواری‌های مسیر و چالش‌های اقتصادی – اجتماعی که مانع از اجرای برخی طرح‌ها شده، تأکید کرد: «ما با وجود تمام سختی‌ها، همچنان برای پیشبرد طرح‌هایمان تلاش می‌کنیم. این تیم ۳۵ نفره ثابت کرده که هر مشکلی را می‌توان با هم مدیریت و حل کرد.»

صدای افق

”صدای افق“ آماده دریافت پیشنهادها و انتقادات شما خوانندگان گرامی است.

شما می‌توانید نظرات ارزشمند خود را از طریق پیامک به شماره ۰۲۸۵۳ یا شماره ایتا ۰۹۱۴۰۷۴۹۰۰۵ ارسال نمایید

خوانندگان عزیز و گرامی توجه به نکات زیر داشته باشند:

- پیامهایی صرفا درج خواهد شد که تا پایان وقت اداری چهارشنبه هر هفته، به سامانه پیام کوتاه (۰۲۰۲۸۵۳) ارسال گردد. ۲- در صورتیکه پیامی بعد از روز چهارشنبه به سامانه ارسال شود، در شماره هفته بعد، درج خواهد شد. ۳- پیام‌ها خالی از هرگونه توهین و افتراء به فرد یا نهاد و سازمانی باشد.



به این مسائل دقت کنند هر چند که اول زندگی عروس و داماد اگر ساده تر برگزار شود بهتر است و به خانواده‌ایی فشار نمی‌آید و حتی چشم و هم چشمی کمتر می‌شود و دختران و پسران ما سر تاین مسائل با هم بحث نمی‌کنند و زندگی خود را با آرامش و بدون تنش آغاز می‌کنند. ۰۹۱۶-۵۴۹۱ مسایلی را در نظر بگیرید به سبب ادعا کنید. ۷۴۰۰۰۰۹۱۳

باتوجه به این که اسفالت برخی از کوچه‌ها و خیابان ها خراب است و در زمستان مشکل جمع شدن آب را داریم | لازم است که شهرداری هر سال جشنواره خرما برگزار کند؟ کاش به جای آن به وضعیت کوچه و خیابانها می‌رسید. ۰۹۱۳-۲۵۷۶

روشنایی بلوار امامزاده قاضی میرجعفر (علیه السلام) را پیگیری کنید با وجودی که چندین بار حضور دارند؟



بهورز دیده بان سلامت در خط مقدم روستا

شاخص‌های واقعی سلامت شده و برای ما که مسئول پاسخگویی به این آمارها هستیم، مشکل آفرین است.

نوسازی مطالبه‌ای جدی برای خانه‌های بهداشت

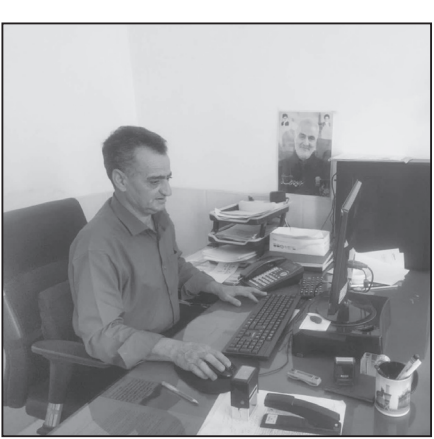
”علی اصغر نوری شادکامی“ دیگر بهورز با سابقه با ۲۶ سال خدمت در آهنگشهر، ضمن ابراز رضایت از بهبود تجهیزات و نزدیک شدن امکانات روستا به سطح شهر، گلابه‌ای جدی از وضعیت زیرساخت‌ها دارد. وی بیان کرد: از مسئولین محترم درخواست دارم به وضعیت فیزیکی خانه‌های بهداشت توجه ویژه‌ای کنند. بسیاری از این بناها فرسوده هستند و دیگر پاسخگوی نیازهای مراجعین و فضای کاری ما نیستند. نوسازی این اماکن، ضرورتی است که نباید نادیده گرفته شود.

نوری با یادآوری شیرین‌ترین خاطره دوران خدمتش، از نجات جان یک مادر باردار در پی پایش‌های دقیق فشار خون می‌گوید و افزود: دیدن نوزادانی که سال‌ها پیش واکسن‌شان را زده‌ام و حالا خودشان صاحب فرزند شده‌اند، بزرگ‌ترین پاداش کار ماست. وی در پایان از تمام مسئولین شبکه بهداشت و امور بهورزی قدر دانی کرد.

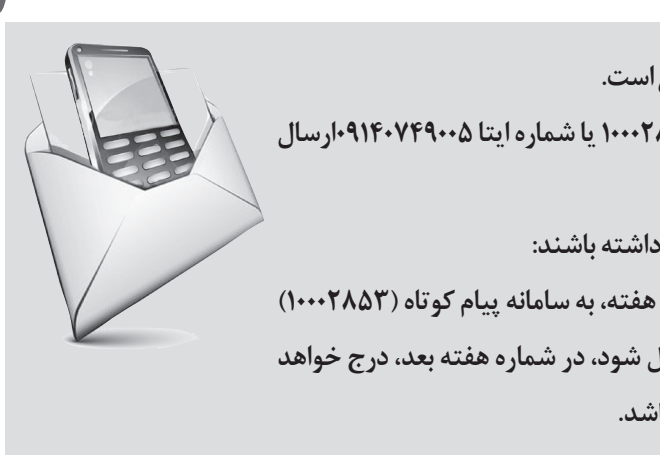
روایتی از چالش‌های شغلی و معیشتی

در ادامه ”تیول محمدی هنسکی“ کارشناس مسئول امور بهورزی ۲۸ سال سابقه کار در شهرستان بافق گفت: بهورز، کارمند خط مقدم بهداشت است. بر اساس استانداردها، به ازای هر ۵۰۰ نفر جمعیت، یک بهورز مورد نیاز است.

ضعف زیرساخت‌های اینترنتی



یکشنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۴۰۵ - شماره ۱۲۴۱



منعکس شده‌است باز هم هیچ ارگانی پیگیر این قضیه نشده‌است وقتی از آن جارد می‌شویم فضا واقعاً تاریک و ترسناک است

فضای مجازی

با توجه به صحبت های جوکار نماینده مجلس شورای اسلامی در یزد که گفته بود دیگر قطعی برق نداریم چرا باز قطعی برق را داریم؟ ۰۹۱۳-۱۴۵۶

سنگ فرشهای پیاده روی خیابان چهارده معصوم (علیه السلام) همه کنده شده و پیاده روها چهره زشتی گرفته‌است چرا شهرداری در این مورد فعالیت انجام نمی‌دهد. ۰۹۹۰-۵۶۶۰

سلام، به چه علت شب ها لامپ برخی از بانک های بافق روشن است! آیا کارمندان ۲۴ ساعته در بانک حضور دارند؟



بهورز دیده بان سلامت در خط مقدم روستا

شاخص‌های واقعی سلامت شده و برای ما که مسئول پاسخگویی به این آمارها هستیم، مشکل آفرین است.



وی با اشاره به گستردگی وظایف، از اکسیناسیون و بیمار یابی تا ثبت دقیق خدمات در «سامانه سب» را بخشی از روزمرگی های خود می‌داند. اما محمدی یک دغدغه متفاوت هم دارد: مسافت زیاد روستاها و ضعف زیرساخت‌های اینترنتی یک سب و، مسئله تحصیل فرزندانمان سوی دیگر است. فرزندان ما مدرن نوجوانی به دلیل نبود مدارس در مناطق روستایی، با بحران تحصیل مواجه می‌شوند. بسیاری از دانش آموزان مستعد ما به دلیل دوری از خانواده و مشکلات معیشتی، ناچار از ادامه تحصیل باز می‌مانند که این موضوع، فشار روانی بسیاری بر ما وارد می‌کند. محمدی در تشریح مسیر سخت ورود به این حرفه ادامه داد: داوطلبان بومی پس از طی مسیر دشوار آزمون و گزینش، دوره‌های ۱۸ ماهه برای دیپلمه‌ها، یا ۶ ماهه برای کاردان‌ها و کارشناسان را می‌گذرانند تا صلاحیت‌شان برای خدمت تأیید شود.

بهورز ان: اپارگرانی که عدالت را به روستاها بر ند

گفتنی است وزارت بهداشت در سال ۱۳۶۳ با هدف فقرزدایی و برقراری عدالت در دسترسی به خدمات بهداشتی، اقدام به تأسیس خانه‌های بهداشت و تربیت بهورزان کرد. هم‌اکنون در منطقه ما، ۱۰ بهورز در ۸ خانه بهداشت، مسئولیت تأمین سلامت بیش از ۷۲۰۰ نفر از اهالی را بر عهده دارند. به پاس زحمات این سربازان گمنام، دوازدهم شهریورماه به عنوان «روز ملی بهورز» نام‌گذاری شده‌است؛ روزی برای یادآوری اینکه هیچ‌کس نباید از خدمات اولیه‌درمانی محروم بماند.

دفاع مقدس

برای پست و مقام به جبهه نرفتیم؛ برای

دفاع از کشور رفتیم

ادامه از صفحه ۴

باسواد بودند و هر کسی هر چه در توان داشت، سعی می‌کرد به بقیه‌اسرائیلز یادبدهد. در واقع، اردوگاه‌ها برای مافقط محل اسارت نبود؛ به نوعی مدرسه هم شده بود. هر کس دانشی داشت، آن را با دیگران تقسیم می‌کرد. در دوران اسارت، زبان انگلیسی را هم فرا گرفتیم. بعدها چند کتاب زبان خارجی به دستم رسید. وقتی خودم کتاب را به‌خوبی یادگرفتم، آن را به چند نفر دیگر از اسیرا هم آموزش دادم و آن‌ها هم پیشرفت خوبی کردند. چند نفر از اسرا از قبل به زبان انگلیسی مسلط بودند. وقتی صلیب سرخ به آسایشگاه می‌آمد، آن‌ها صحبت‌های مأموران صلیب سرخ را برای بقیه ترجمه می‌کردند تا دیگر اسرا هم از صحبت‌های آن‌ها باخبر شوند. این کار خیلی مهم بود؛ چون هر خبری که از بیرون اردوگاه می‌رسید، برای ما اهمیت زیادی داشت. همیشه علاقه خاصی به نقاشی داشتم و در اردوگاه نیز مشغول به کشیدن نقاشی می‌شدم. مدارنگی خیلی کم بود. اگر یک‌مداد رنگی به یکی از آسایشگاه‌ها می‌رسید، همه اسرا از آن استفاده می‌کردند. یک بار صلیب سرخ مقداری مداد رنگی آورد. وقتی مدادها کوچک می‌شدند، آن‌ها را داخل قسمت گرد قفرقه می‌گذاشتیم تا بتوانیم راحت‌تر از مداد استفاده شود؛ حتی با نخ لباس‌ها گلدوزی انجام می‌شد. یک بار تعدادی از کارهای خود را برای ایران فرستادم، اما متأسفانه به مقصد نرسید. نمی‌دانم در عراق از بین رفت یا در ایران! آن چند نمونه از آن کارها را دارم و عکسشان هم موجود است. یکی از کارها خط قرآن با دست‌خط "شایق" است که گلدوزی آن را خودم انجام داده‌ام. پشت پارچه ما مشخص است که با چرخ خیاطی انجام نشده و همه کار با دست انجام شده و برخی از این کارها سه تا چهار ماه زمان می‌برد.

۸ تا ۴۰ قاشق عدس، سهم هر اسیر

شرایط غذا و نظافت واقعاً سخت بود. در یک سال و نیم اول اسارت، اصلاً صبحانه نداشتیم. هر روز صبح یک چای و کمی شیرینی و یک تکه نان گرد به ما می‌دادند که بیشتر آن نان هم خمیر بود. چند بار اسیرا اعتراض داشتند تا اینکه مقداری عدس آوردند. بعد از آن دیگر خود اسرا برای آسایشگاه آشپزی می‌کردند. خوب یاد هست سهم هر نفر حدود ۱۰ تا ۸ قاشق بود؛ نه کمتر و نه بیشتر.

لباسی با ۴۰ وصله!

در دوران اسارت، لباس خیلی نبود آن لباس‌های هم که می‌پوشیدیم ۴۰ وصله داشت، همچنین آب گرم و مواد شوینده نیز به شدت محدود بود و تنها فقط هفته‌ای یکبار، حدود یک سطل ۱۷ لیتری آب گرم برای شستن و شو در اختیار اسرا قرار می‌گرفت به همین علت شیش بین اسرا خیلی شایع شده بود. بنابراین شب‌ها حوالی ساعت ۱۰ شب چراغ‌های آسایشگاه خاموش می‌شد. نیم ساعت قبل از خاموشی، لباس‌هایمان را بیرون می‌آوردیم تا شیش‌ها را از بین ببریم. پس از یک سال و نیم اسارت، یک دست لباس به اسرا تحویل داده شده و از آن به بعد، سالی یک بار لباس تمیز برپایمان می‌آوردند.

پس از شکنجه شادی و خنده برپا می‌شد

یکی از شکنجه‌هایی که خودم تجربه کردم، بستن پاها داخل یک وسیله چوبی و زدن کابل به کف پا بود. ضرب‌ها خیلی شدید بود. بعد از شکنجه، کف و اطراف پاها کاملاً کبود می‌شد و چند روز طول می‌کشید تا بهبود پیدا کند. اما با تمام این سختی‌ها، روحیه اسرا خوب بود و بعد از شکنجه که به اردوگاه برمی‌گشتیم، دوباره دور هم جمع می‌شدیم. بچه‌ها با اینکه شکنجه‌های شدیدی را تحمل کرده بودند، باز هم سعی می‌کردند روحیه‌شان را حفظ کنند، با یکدیگر حرف شوخی و خنده برپا بود.

صلیب سرخ هم گفته بود روحیه اسرا خیلی بالاست و چنین روحیه‌ای را بین اسیران جنگ‌های مختلف کمتر دیده‌اند. گاهی قطع شدن آب یا وضعیت بد سرویس‌های بهداشتی بیشتر از شکنجه روی روحیه بچه‌ها تأثیر می‌گذاشت.

صدایی از بلندگو که همه را اشکست

"حسینی" هنگام مرور خاطراتش مکث می‌کند. چشمانش پر از اشک می‌شود و با صدایی لرزان، از یکی از تلخ‌ترین روزهای دوران اسارتش می‌گوید؛ روزی که خبر رحلت امام خمینی (ره) در اردوگاه پیچید.

می‌گوید: تلخ‌ترین خاطره دوران اسارت من، و البته یکی از تلخ‌ترین خاطرات برای همه اسرا، زمانی بود که از بلندگوی اردوگاه اعلام کردند امام خمینی (ره) رحلت کرده است. همه اسرا در آسایشگاه به شدت ناراحت شدند. صبح روز بعد، حدود ساعت هشت و نیم، وقتی در اردوگاه باز شد، بچه‌ها پنج یا ۱۰ نفره بیرون می‌رفتند و قدم می‌زدند. حال همه خیلی بد بود.

کسی با دیگری حرف نمی‌زد. آن روز همه ساکت و غمگین بودند. فضای اردوگاه واقعاً سنگین شده بود. انگار همه در یک لحظه داغدار شده بودند.

رزمنده برای پست و مقام به جبهه نرفت

"حسینی" در پایان صحبت‌هایش، از مسئولان می‌خواهد که بیشتر از گذشته به وضعیت اپنارگران، آزادگان و خانواده شهدا توجه کنند. این شهدا جانشان را برای کشور گذاشتند. اپنارگران، آزادگان و جانبازانی هم که به جبهه رفتند، ببینند و بدانند که با چه هدفی به جبهه رفتند؛ زنده‌ای که به جبهه رفت، برای پست و مقام نرفت؛ برای کشور و نظام جنگیده‌است. امروز بعضی از همین افراد با مشکلات اقتصادی و جراحات ناشی از جنگ زندگی می‌کنند. انتظار ما این است که مسئولان کمک کنند این افراد گرفتار مشکلات اقتصادی نباشند و در کنارشان باشند. به نظر فرزندان شهدا هم باید سرگذشت پدرانشان و دیگر رزمندگان را بخوانند؛ هم شهدا را بشناسند و هم جانبازان و آزادگان را. این‌ها بخشی از تاریخ کشور ما است. نسل امروز باید بداند که نسل قبل چه سختی‌هایی را پشت سر گذاشته و برای این کشور چه زحماتی کشیده است. شاید سال‌ها از آن روزها گذشته باشد، اما برای کسانی که آن روزها را زندگی کرده‌اند، خاطرات اسارت هنوز زنده است؛ خاطراتی از روزهای سختی که در کنار گرسنگی، شکنجه و دوری از وطن، کلاس درس، نقاشی، دوستی و امید هم جریان داشت؛ امیدی که کمک کرد اسرا سال‌های سخت اسارت را پشت سر بگذارند.

یادداشت

تلاقی طعم‌های کویر و دریا در نخلستان بافق؛

وقتی «هنر بومی» به موتور محرک اشتغال بدل می‌شود



نخلستان بزرگ بافق این روزها رنگ و بوی متفاوتی به خود گرفته‌است، برگزاری هشتمین جشنواره تابستانه و پنجمین جشنواره خرمای بافق (۱۸ تا ۲۰ شهریورماه) در نخلستان شهرداری، تنها یک رویداد اقتصادی ساده نیست؛ بلکه آیینی است که کویر را به مقصدی برای گردشگران سراسر ایران تبدیل کرده و ظرفیت‌های خفته این خطه را به نمایش گذاشته‌است.

خروج از چرخه خام‌فروشی بار و یک‌روزه‌داری‌ش‌افزوده
در میان سایه‌سار نخل‌های سرسبز به فلک کشیده بافق، آنچه بیش از هر چیز خیزندایی می‌کند، پیوند خلاقانه میان سنت و مدرنیته در سفره‌های پذیرایی است. در این جشنواره، دیگران خرمایه عنوان یک محصول خام عرضه نمی‌شود؛ بلکه دانش بومی در قالب فراآورده‌های جانبی به رخ کشیده شده‌است. از آردبریزورنگینک که یادآور طعم‌های اصیل خانه‌های قدیمی است تا تولت، کیک، مربا و قهوه خرمای تشریف و سرکه خرمای، همه نشان از تلاش فعالان این حوزه برای ایجاد ارزش افزوده و دوری از خام‌فروشی دارد؛ وویکردی که اگر به‌طور مستمر حمایت شود، می‌تواند اقتصاد نخلستان بافق را متحول کند.

روایت زنان توانمند بافقی
در این جشنواره، صنایع دستی

در صفحه ۳ بخوانید

دفاع مقدس

برای پست و مقام به جبهه نرفتیم؛ برای

دفاع از کشور رفتیم



به گزارش هفته‌نامه افق کویر؛ گاهی یک خاطره، فقط یک خاطره نیست؛ بخشی از تاریخ است که از زبان کسی روایت می‌شود که خودش آن را زندگی کرده‌است. خاطرات سال‌های اسارت، روایت روزهایی است که سختی، گرسنگی، شکنجه و دوری از وطن، بخشی از زندگی روزمره رزمندگان شده بود؛ اما در میان تمام این تلخی‌ها، چیزی که به گفته آزادگان هرگز اجازه نداد دشمن پیروز شود، حفظ امید و روحیه بود. هم‌طور که در شماره ۱۲۳۹ هفته‌نامه افق کویر خواندید، «سیدعلیرضا حسینی»، مدیر بخش معاونت آموزش و پژوهش شرکت سنگ آهن بافق، یکی از آزادگان دوران دفاع مقدس است. وی سال ۱۳۶۰ برای انجام خدمت سربازی اعزام شد و یک سال بعد رازی جبهه شد؛ ابتدا به‌عنوان سرباز «توپخانه» و پس از آن به‌عنوان دیده‌بان در مناطق عملیاتی خدمت کرد. کار دیده‌بان، شناسایی موقعیت نیروهای دشمن و انتقال دقیق مختصات به توپخانه بود؛ کاری که دقت و شجاعت زیادی می‌خواست؛ اما سرنوشته او در عملیات والفجر مقدماتی تغییر کرد. ۱۸ بهمن ۱۳۶۲، در منطقه جنگل «امقر» همراه تعدادی از نیروها در محاصره نیروهای عراقی قرار گرفت و به اسارت در آمد؛ اسارتی که سال‌ها از زندگی او را در زندان بغداد و اردوگاه‌های عراق رقم زد.

«حسینی» از روزهایی می‌گوید که در سخت‌ترین شرایط، اسرا تلاش می‌کردند زندگی را متوقف نکنند.

اسرا سعی می‌کردند بیکار نمانند، قبل از سربازی دوره نهضت سوادآموزی را گذرانده بودم و آموزشیار بودم. برای همین، در اردوگاه‌های یقه‌هایی که سواد نداشتند، کلاس می‌گذاشتم. باقوئی تاید و تکه‌های پارچه وسایل آموزشی را مهیا نمودیم امکانات خیلی کم بود. خود کار و وسایل آموزشی وجود نداشت، بنابراین باقوئی تاید و تکه‌های پارچه وسایل آموزشی را مهیا نمودیم. لباس‌های پارچه را به شکل تخته سیاه درمی‌آوردیم، روی آن روغن می‌زدیم و بعد پلاستیک قرار می‌گرفت تا بروی آن یادداشت کرد. اردوگاه برای ما فقط محل اسارت نبود؛ به نوعی مدرسه هم شده بود

ترجمه و تفسیر قرآن و نهج البلاغه آموزش داده می‌شد. در بین اسرا روحانی، پزشک، معلم و افراد

در صفحه ۳ بخوانید

به گزارش خبرنگار هفته نامه افق کویر؛ در دنیای امروز که سلامت و تغذیه سالم حرف اول را می‌زند، مصرف گوشت‌های سفید (مرغ، ماهی و بوقلمون) به عنوان یکی از ارکان اصلی رژیم غذایی مغذی شناخته می‌شود. گوشت‌های سفید به دلیل داشتن پروتئین باکیفیت، چربی کمتر و قابلیت هضم آسان، گزینه‌ای ایده‌آل برای تقویت سیستم ایمنی بدن و تامین انرژی روزانه خانواده‌ها هستند. در شرایط اقتصادی فعلی، تامین پایدار و باکیفیت این اقلام، فراتر از یک تجارت، یک وظیفه اجتماعی برای سلامت جامعه است.

ضرورت رساندن کالای باکیفیت به سفره مردم

مجتبی کاظمیان، نایب رئیس صنف قصابان و لبنیات، در شهرستان بافق که ۸ سال است در این حرفه فعالیت دارد، در گفتگو با خبرنگار هفته نامه افق کویر ضمن اشاره به حساسیت بالای این صنف، بر اهمیت رساندن کالای باکیفیت به سفره مردم تاکید کرد.

کیفیت کالای اولویت اول ماست

اواظهار داشت: «صنف ما بسیار حساس است؛ چرا که با خوراک مردم سروکار داریم و کیفیت کالا، امانتی است که بر عهده ماست. در مغازه خود طیف گسترده‌ای از محصولات از جمله مرغ گرم (شمال و یزد)، گوشت یخ‌زده گوساله، انواع ماهی (تیلابا، ماهی شیر، قزل‌آلا و...)، بوقلمون، پای مرغ، کبک و بلدرچین،

جوجه آماده و... را در اختیار همشهریان عزیز قرار می‌دهیم. همچنین با افتتاح شعبه جدید در روبه‌روی حسینه سفلی، در آینده نزدیک اقدام دیگری از جمله گوشت گرم گوسفندی و حاشی نیز به سبد محصولات ما اضافه خواهد

مسئولیت‌پذیری است. ما با وجود چالش‌های بزرگ، از مشتریان وفادار خود سپاسگزاریم؛ اما دو معضل بزرگ، روند کار ما را با سختی مواجه کرده‌است؛ اول، حساسیت زمانی کالای ماست؛ مرغ گرم تنها ۳ روز فرصت دارد تا به



دست مصرف‌کننده برسد و این موضوع استرس فروش و مدیریت موجودی را برای ما دوچندان می‌کند. دوم، معضل قطعی برق که برای صنف

گوششت یک بحران واقعی و غیرقابل توجیه است.»

مشکلات صنف مرغ‌داری

کاظمیان با اشاره به چالش‌های موجود گفت: «ورود به این حرفه نیازمند علاقه و

گزارش ویژه

مجتبی کاظمیان، نایب رئیس صنف قصابان و لبنیات:

در مغازه نگین بهاران سلامت سفره بافقی‌ها تضمین شده است

حذف واسطه‌ها، کاهش قیمت‌ها
وی همچنین در خصوص تفاوت قیمت‌ها در بافق افزود: «ما با حذف واسطه‌ها و خرید مستقیم، تلاش می‌کنیم با سود بسیار کم، قیمت‌های رقابتی (مانند مرغ گرم با قیمت ۲۷۷ هزار تومان) را به مردم ارائه دهیم تا با وجود تورم و کوچک شدن سفره‌ها، همچنان امکان خرید برای مردم فراهم باشد.»

درخواست از مسئولین

در پایان، کاظمیان با بیان چالش‌های مربوط به سیستم کالابریگی، خواستار حمایت مسئولان شد و گفت: «باتوجه به تغییرات روزانه قیمت‌ها، از مسئولین محترم تقاضا دارم فرایند تسویه حساب کالابریگ‌ها را تسریع کنند. بازگشت وجه کالابریگ‌ها پس از ۴۰ الی ۵۰ روز، برای ما که بانوسانات بازار روبه‌رو هستیم، بسیار دشوار است. همچنین بر خورد جدی با مشکل قطعی برق برای تداوم فعالیت این صنف ضروری است و در خواست دیگرم، با توجه به این که در کارگاه جدید قصد اشتغال زایی داشته و جذب چند نیرو خواهیم داشت در خواست وام با بهره سودی کم دارم و با توجه به بالا بودن استهلاک ماشین و خرید ماشینی که در شان مردم بافق باشد بتوانیم به نحو احسن به کار خود ادامه دهیم.»

نشانی مغازه نگین بهاران

نشانی: خیابان مهدیه_جنب حسینه سفلی
شعبه دوم: خیابان مهدیه_روبروی حسینه‌سفلی
شماره تماس: ۰۹۹۰۲۲۴۸۲۵۵

جرعه تغییر در دل تاریکی

«تد کس بافق» در جست‌وجوی شکوفایی نخبگان



جهانی TED اما با مدیریت و اجرای جامعه‌ی بافق انجام می‌گیرد.»
جزییات اجرایی و محدودیت ظرفیت برای حفظ کیفیت

در پاسخ به پرسش درباره جزئیات برگزاری، رنجبر افزود: «این رویداد یک روزه خواهد بود که از ساعت ۵ صبح آغاز و در ساعت ۳ بعد از ظهر به پایان می‌رسد. سخنرانان ما صرفاً به بحث‌های تخصصی نمی‌پردازند، بلکه از مسیر زندگی و تجربیات خود سخن خواهند گفت تا برای همه قشرهای جامعه الهام‌بخش باشند. ما برای حفظ کیفیت خدمات، پذیرایی (شامل صبحانه و قهوه) و تعاملات جانبی،

در صفحه ۳ بخوانید

پشت هم باشند و دست به دست هم بدهند، می‌توانیم در حوزه‌های علمی، فرهنگی، ورزشی و هنری، جهش بزرگی داشته باشیم. فلسفه اصلی رویداد ما نیز بر همین پایه استوار است؛ ما می‌خواهیم شهر را در مسیر خود قرار دهیم و تمام تولیدات رسانه‌ای و سخنرانی‌های ما حول این محور می‌چرخد.»

وی در ادامه تبیین کرد که تدکس با مجوز رسمی سازمان مرکزی TED، توسط داوطلبان محلی در سطح شهر و دانشگاه‌ها برگزار می‌شود تا ایده‌های ارزشمند به اشتراک گذاشته شود. او تمایز این رویداد را چنین شرح داد: «برخلاف رویدادهایی که مستقیماً تحت نظارت استانداری برگزار می‌شوند، تدکس تحت نظارت سازمان



حدود ۲۵۰ نفر را استنطاق نمود. در این میان، پرونده ۲۵ نفر به مرحله‌ای حساس رسید و سوال و جواب‌ها وارد فاز جدی‌تری شد. گویا هدف این بود که نشان دهند «در این آشفته‌بازار، هنوز هم کسی هست که بیدار باشد.»

طعم زهر چشم با چاشنی عدالت

در این میان، «قاتقی»، آن دانای آبادی که دستی در تحلیل امور داشت، با بالیخندی که معلوم نبود از سر رضایت است یا ترحم، گفت: «هر حیاء صدف‌رین به داروغه درست است که کار از کار گذشته، اما همین که نسق نمود و زهر چشمی گرفت تا مردمان بدانند هنوز در آبادی نظلم، قانون و عدالتت عدالت سحر چند کمرنگ-حکمر ماست، خود گامی رو به جلوست.» اما آیا این ماست‌ها که کیسه شده‌اند، دوباره به کاسه بر می‌گردند، یا باز هم باید منتظر تلخ هفته بعد ماند؟

حقوقی

آخرین ترمز و چند ثانیه تا مرگ

روایتی واقعی از یک پرونده و کالتی



حسام‌الدین نعیمی بافقی

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

آخرین ترمز و چند ثانیه تا مرگ "روایتی واقعی از یک پرونده و کالتی" گاهی مرگ، از دور دیده نمی‌شود. آرام‌وبی‌صدانزدیک می‌شود، آن قدر نزدیک که انسان تا آخرین لحظه نمی‌داند چند ثانیه بیشتر یا پایان فاصله ندارد. آن روز، دو انسان سوار بر یک موتورسیکلت سنگین شدند. موتوری با چته‌ای بزرگ و قدرتی که می‌توانست در چند لحظه سرعت زیادی بگیرد. موتور روشن شد، صدایش در فضا پیچید و در آن شب تاریک چرخ‌ها شروع به حرکت کردند. شاید همه چیز در آن لحظه کاملاً عادی به نظر می‌رسید. یک حرکت معمولی، یک مسیر کوتاه و مقصدی که قرار بود رسیدن به آن پایان سفر باشد؛ اما هیچ‌کس نمی‌دانست مقصد واقعی، چند ثانیه جلوتر منتظر آنهاست.

موتورسیکلت در مسیر پیش می‌رفت و دوسر نشین آن، بی‌خبر از آنچه در راه بود، هر لحظه به حادثه نزدیک‌تر می‌شدند. این همان حقیقت تلخ زندگی است؛ انسان گاهی در حالی به مرگ نزدیک می‌شود که هنوز به زندگی فکر می‌کند. شاید آن لحظه صحبت می‌کردند، شاید به خانه و خانواده فکر می‌کردند، شاید مقصدشان را در ذهن مرور می‌کردند. اما فاصله میان آن تصور و واقعیت، فقط چند ثانیه بود. موتورسیکلت سنگین جلومی‌رفت.

میدان نزدیک‌تر می‌شد. ثانیه‌ها یکی پس از دیگری می‌گذشتند؛ ثانیه اول، ثانیه دوم، ثانیه سوم... و سرعت موتور زیاد و زیادتر میشد، و هیچ کدام نمی‌دانستند که این ثانیه‌ها، آرام‌آرام آنها را به آخرین لحظات زندگی نزدیک می‌کنند.

بعد لحظه‌ای رسید که دیگر مسیر آن گونه که باید پیش نمی‌رفت.

در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

بررسی چالش‌های مدیریت شهری

بافق در تطبیق با استانداردهای

حرفه‌ای

جعفرزاده | در بافق مجموعه‌ای از تصمیم‌های پراکنده شهری دیده می‌شود که با استانداردهای پایه مدیریت شهری همخوانی ندارد.

دسترسی ایمن و نزدیک

نخست، نرده گذاری سر تاسری بلوار هابدون پیش‌بینی بل عابر در نقاط پر تردد، برخلاف اصل «دسترسی ایمن و نزدیک» است و شهروندان را مجبور می‌کند ده‌ها متر مسیر اضافه طی کنند. این شیوه طراحی، به‌جای تسهیل عبور مردم، عملاً محدودیت ایجاد می‌کند.

احداث‌های شهر نیز سازه‌های بلند و بی‌معنا نصب شده‌اند؛ در حالی که طبق اصول هویت‌بخشی شهری، هر سازه باید پیام، کارکرد یا روایت مشخص داشته باشد. وقتی شهروندان برای فهم معنای سازه‌ها مجبور به پرس‌وجو می‌شوند، یعنی طراحی بدون مخاطب انجام شده‌است.

احداث شهر بازی

احداث شهر بازی در کنار پیاده‌رو و خیابان مسجد جامع نیز با استاندارد دهای فضای عمومی تناقض دارد. در فضایی که معمولاً باید محل مغازه و کاربری سبک باشد، سازه تفریحی حجیمی قرار گرفته که مسیر عبور مردم را تنگ کرده و حق دسترسی ایمن را مختل می‌کند. پیاده‌رو محل عبور شهروندان است، نه محل استقرار کاربری‌های سنگین و شلوغ.

پارک تازه احداث‌شده در همین خیابان نیز در بخش‌هایی دارای خرابه‌ها و گودهای عمیق است؛ در حالی که طبق استاندارد دهای ایمنی، پارک باید امن‌ترین نقطه شهر باشد و هیچ فضای رهاشده یا گود خطرناک نباید در محدوده آن باقی

بماند. در نهایت، مسیرهایی در شهر وجود دارد که نه کوچه‌اند و نه خیابان، اما روزانه صدها خودرو از آن عبور می‌کنند. این مسیرها در بخش‌هایی باریک و در بخش‌هایی پهن می‌شوند؛ اگر خیابان‌اند باید تعریف و تابلوگذاری مشخص داشته باشند، و اگر کوچه‌اند باید کاربری و ظرفیتشان روشن باشد. این وضعیت با اصول «طبقه‌بندی معابر» و «سامان‌دهی ترافیک» در تضاد است. مجموع این موارد نشان می‌دهد که تصمیم‌های شهری بیشتر بر پایه سلیقه و اقدام‌های موردی گرفته می‌شود تا استانداردهای حرفه‌ای و نیاز واقعی مردم. اصلاح این روند، شرط لازم برای داشتن شهری ایمن، قابل زیست و قابل فهم است.